

### مکتوبی، خطاب به : جوانان مصر

این مکتوب خطاب به جوانان مصر که در سال (۱۸۸۳) میلادی در مانعانه **ابو نظاره** چاپ پاریس منتشر گردید، به علت اهمیتی که دارد، توسط دادگاه سیاسی هنده به انگلیسی ترجمه شد و ضمن گزارش حرم‌خانه آن اداره، به وزارت خارجه انگلستان ارسال گردید.

آنچه که در این شماره میخوانید، ترجمه آن مکتوب از روی ترجمه انگلیسی آنست که هم‌اکنون در بخش اسناد عمومی وزارت خارجه انگلستان، در اختیار عموم مراجعه کنندگان قرار دارد.

مانعانه **ابو نظاره**، که توسط یکی از میلیون مصر بنام «سانوآ» انتشار می‌یافت، و برای اولین بار در سال (۱۸۷۶ م) در مصر به ترویج سید جمال‌الدین و با همکاری او ایجاد گشت، «سانوآ» معلم زبان فرانسه سید، و بسیاری از رجال مصر بود و به علت فعالیت‌های مؤثر، مورد تئویق «اسماعیل پاشا» خدیو مصر قرار گرفت.

«سانوآ» مانند دیگر روشنفکران مصر، تحت تأثیر سید به انتشار این روزنامه در قاهره دست زد و چون مقالات اجتماعی آن به اشتاد از حکومت و نقش انگلستان در مصر، کشیده شد، از مصر تبعید گردید و به فرانسه رفت و چند سال بعد «ابو نظاره» را در پاریس منتشر ساخت... و این مکتوب سید، یکی از متفجرات آن بشمار میرود که در سال (۱۸۸۳) میلادی در پاریس منتشر شده است.

ناعمها و اسناد دیگری را که در قسمت اول این اسناد وعده داده بودیم در مرحله اشتاد خواهیم دید، چون بشکل مجموعه‌ای بنام اسناد و نامه‌های سیاسی سید جمال‌الدین اسدآبادی بر روی منتشر میگردد، از شماره آینده در مرحله منتشر نخواهد شد.

از زمان قدیم مردم کلمه «بهاول» را سیول و حسافت و مسخر میدانستند تا اینکه نام او سر بال‌المنزل گردید، امروز بنا بسودن احمقی مانند توفیق پاشا مردم دیگر بهاد بهاول نمی‌انند. او بنای انگلیسی‌ها را بمصر گشاید و کسانی را که هدفشان خویشت مقام شامخ خدیوی و جلوگیری از انود بیگانگان بود تبعید و در بدر کرده است. مخصوصاً کسانی را که مخالف انگلیسی‌ها (که هر وقت به کشوری تسلط می‌یابند مردمان را ذلیل، آشیانه‌ها را خراب، سکنه را متواری، اجتماعات را پراکنده، شخصیت‌ها را پایمال، رعایا و پرچسنگان قوم را مقنول و محیوس و یاب فساد متادمیکند) بودند، همه را بی‌خانسان نموده است.

خدیو ما از کثرت حسافت و نادانی، سخنان پوچ و دروغ آنان را باور کرده و بمصر را در بست به جنگال انگلستان انداخته است. و با این ابلهی و خودخواهی، ما را دچار چنان مصیبت و بدبختی عظیمی کرده است که حتی در جنگ‌های صلیبی نیز سابقه نداشته

است. مصر هرگز ایسان و علم و دانش برای مؤمنین عالم اسلام بود و برای کتب معلومات دینی از اطراف جهان از قبیل عراق، یمن، سوریه، ترکیه و هندوستان به آنجا روی می‌آوردند، با اینکه هنوز یکسال نشده که انگلیسی‌ها پا به سرزمین مصر گذاشته‌اند، درهای **الانزهر** را بر روی مردم بسته، علماء را به **سودان تبعید**، مراسم مذهبی را متوقف، ایراد و عیب و خطاب را در **سایر قدس**، نماز جماعت را در روزهای جمعه متوقف کرده‌اند. چنانچه نظیر این رفتار در تمام کشورهای اسلامی که تحت سلطه و نفوذ آنان درآمده، انجام داده‌اند.

هرگاه اناری به جزایر **فیلیپین** و **اندونزی** و **استرالیا** بیندازید، خواهید دید که چگونه پیرای علمای اسلام است که انگلیسی‌ها آنان را از هندوستان به آن مملکت تبعید کرده‌اند. کسان دیگر وقتی که این معامله را با برادران و همدینان خود مشاهده کرده و متوجه شدند که درین باره آنها نیز همان سر نوشت گرفتار خواهند شد، از هند به شهر مقدس **مکه** پناه بردند. شکی نیست که شما از جریان قرار مولانا و رحمت‌الله و مولانا و نوال افغانی و سایر علماء بزرگ که عندا ترک و بمکه پناه آورده‌اند، بخوبی متحضر بوده و میدانید که چه بلای بی‌رحمان آورده‌اند.

ما «توفیق» را خیلی پیش از نزول این بلا و وقوع این مصیبت، خرددار کردیم و ولی از شدت حماقت چوری را که به نفع خودش و ملت بود نخواست بفهمد. **مصر دروازه مکه است و او بدست خودش درب آن را بر روی انگلیسی‌ها باز نمود**، و اکنون عاجزی نیست مگر اینکه خدا به داد ما برسد و گرنه دبری نخواهد گذشت که چهار را نیز از دست ما بگیرند، آوقت آیا دیگر برای ما مذهبی خواهد ماند؟

این فاجعه بزرگ، که توفیق پاشا به عالم اسلام وارد کرد، شامل حال **ویاب عالی** نیز میشود، زیرا دولت عثمانی در میان قدرتهای اروپائی از اینکه مصر را در دست داشت همیشه بخود میباید، ولی حالا در اثر نادانی و جهل «توفیق» آن قدرت و عظمت اسلامی را دچار تلاطمی کرده که هیچ‌وجه تسخیر آن چلوگیری نمود، مگر با توسل به اسلحه و تحمیل خسارت و زین بوقالعه...

و اما در سرزمین مصر، از بلای که دست خود، خودش را گرفتار آن کرده است و در اثر جهل «توفیق» پس از اینکه انگلیسی‌ها همه جا را تصاحب کردند، حتی خود توفیق از گردن آنان مصون نماند، انگلیسی‌ها بنامها و اسناد شخصی توفیق دست یافتند و در میان آن اوراق، رو نوشت احکامی را که به **عمر پاشا** لطفی صادر کرده بود، پیدا کردند و در آنجا توفیق دستور میدهد که در **داسکندریه** ایجاد شود و قیام مصنوعی بنماید و **عمر پاشا** نیز از دستور را عیناً انجام داده است. حالا انگلیسی‌ها برای تسبیحی باین جریان در لندن کمیسیون مخصوصی را تشکیل داده و در نظر دارند این موضوع را بیان کرده و توفیق پاشا را ارجاع بدش «عصا» را بجای او بکارند و پس از اینکه کسی گذشت، او را با انگلستان به نام تحصیل ببرند، تا اینکه با فراغت مال تمام امور مصر را بدست

گرفته و برای همه آفاقی کنند و هر چه دلشان میخواهد بلامانع انجام دهند .  
 حال ای مردم ! شما را جدا آيا بايد گفت که معلول احق است يا توفيق ۱۹ یعنی  
 کسی که ظلم و ستمی را بجای رساند که حجاج را رؤسفيد نمود و بجای دل جوئی از عرابی  
 پادشا (کسیکه برسد استیلای انگلیس برآمده) بازاران او را که میخواهند کشور مسر را  
 از سر انگلیس ها رهائی دهند ، آنها را از مصر تبعید نمود و حتی کسانی که بی گناه بودند ،  
 از خانه و زندگی آورده شدند . پیش از اینکه آنان را در مصر نمایند بیچاره ها را طوری  
 شکنجه و عذاب داد که حتی دل سخت کافران نیز به حال آنها سوخت ، خداوند ا آخر  
 ما چه گناهی کرده ایم که مستوجب این همه عذاب شدید و چرا این احق بجان ما مسلط شد  
 که ما را گرفتار این همه رنج و آذبار بنماید ؟

ای داد من بیچارگان ! بداه ما برس ما در حال دار و لنگت باری قرار گرفته ایم .  
 بار الهی ! آیا ممکن است ما سرگ را یا پول خریداری نموده و خود را از این عذاب که  
 هرگز در زندگی سابقه نداشت ، خلاص نمائیم ؟ آخر تا کی و خدیو خوب خورد و خوب  
 بنوسد و در حال عیسی و یوش در بستر راحتی و رفاه بسر ببرد ، ولی توده مردم در حال فلاکت  
 و دلت تنها سرشان را روی سنگ بگذارند ؟

... بلی قدوت بدست اردو پادشاهان افغان است آنها جان و ناموس ما را از خاتمین خریداری  
 کرده و ما را مانند چهارپایان به رجا که دلشان میخواهد میرانند .  
 ما در کوهها سرخان و از خجالت نمیتوانیم بلند کنیم ، رجال و رعمای قوم ما دست  
 انگلیسی ها را می بوسند .

ای برادر ! اگر از وضع سپه و لشکر ما بپرسی ، کافی است که بگویم هم اکنون  
 وزیران وود انگلیسی و رئیس کل قوای مملکت اسلامی مصر میباشد و او را بر ای احمد لعل  
 و محو کرک ما فرستاده اند . دست فردان مصری را در قاهره و اسکندریه از کارها کوتاه  
 و بجای آنان افراد انگلیسی گمارده اند .  
 ای جوانان مصر ! باید گفته های جمال الدین را در دل خود و جگه نمائید ،  
 به رادش مصری بگوئید که چگونه این مظلوم مردم از وطن را ادبا و شرفی هراسه  
 در شهر پاریس با آغوش باز استقبال کردند و موقعی که در لندن بود ، قدرت  
 انگلستان را در هند و کشورهای اسلامی متزلزل نمود ، و به آنها فهمانید که  
 فقط با اتحاد و یکپارگی و با انشاء افکار و عقاید آزادی خواهی و وطن دوستی روح تازه ای در  
 جسم ناتوان این عاجز و ناتوانه و بی بهره مرده حواصیل توانست بوجود بیاید و در قلب  
 ما اختیارات جلی را جای میدهد . تا اینکه بفضل خداوند متعال با این وادکارها بتوانیم  
 خودمان را از چنگال این ظالمان خونخوار رهانیم و این برهان را از لجر اسارت  
 خلاصی دهیم .

جمال الدین الحسینی